

تحلیلی راهبردی بر تحولات اخیر سیاست و جامعه در بلوچستان ایران

و سناریوهای محتمل

عبدالوهاب شُهلای بُر، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و مدیر کل سابق توسعه

اجتماعی و فرهنگی شرکت عمران شهرهای جدید کشور

- بیان مسئله
- تبار مسئله بلوچستان؛ انتقال از نظم کهن سیاسی ایرانی به دوره دولت-ملت و حاشیه‌ای شدن بیشتر آن
- تحلیل نظری مسئله بلوچستان
- یک نمونه از بیگانگی‌های دوسویه مرکز و بلوچستان در شبکه اجتماعی اینستاگرام
- تحقق انقلاب اسلامی و پدیدار شدن موقعیت دوگانه برای مذهب سنی و مولوی‌ها
- دگردیسی‌های دیوبندیسیم در بلوچستان و ظهور دینداری سنی
- تبارشناسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری تنش‌های اخیر بلوچستان
- پیامدها و ملاحظات محلی - منطقه‌ای تنش‌های اخیر بلوچستان
- تنش‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و پدیده قابل تامل کاهش جمعیت زاهدان در فاصله میان ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰
- مدل‌های سیاست‌گذاری ممکن برای مسئله بلوچستان
- راهبردهای مدل سیاست‌گذاری مبتنی بر حل مسئله بلوچستان
- جمع‌بندی

❖ بیان مسئله

علی‌رغم گذشت بیش از ۱۷ ماه از تنش اخیر بلوچستان، که نقطه عطف آن واقعه کشتار نمازگزاران زاهدان است، تاکنون گام‌های تاثیرگذاری برای تعدیل آن برداشته نشده است و مسائلی چون موارد ذیل ظهور یافته‌اند که بازنگری در وضعیت جاری و نیز طرح نظریه‌ای راهبردی را برای نظام حکمرانی ضروری می‌سازد:

✓ کاهش معنادار نرخ مشارکت در انتخابات اخیر مجلس در بلوچستان

✓ افزایش حملات به نیروهای انتظامی و نظامی و کشته‌شدن آنها

- ✓ تشدید فضای امنیتی درون و برون شهری در استان
- ✓ بالا رفتن هزینه‌های حکمرانی
- ✓ تداوم نارضایتی مردم
- ✓ تشدید ناامنی‌های اجتماعی همچون قتل و سرقت مسلحانه
- ✓ فقدان طرح برنامه‌ای راهبردی از طرف دولت برای بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی استان
- ✓ به حاشیه رفتن امر توسعه

در این نوشتار تحلیلی بر آن هستیم که نگاهی به ریشه‌های مسئله اخیر بلوچستان ایران و نیز عوامل تشدید کننده آن داشته باشیم و سپس اشاره‌ای بکنیم به سناریوهای پیش روی برای گام گذاشتن در مسیر حل مسئله یا تشدید شدن آن، البته از منظری راهبردی و تحول‌خواهی.

❖ تبار مسئله بلوچستان؛ انتقال از نظم کهن سیاسی ایرانی به دوره دولت-ملت و حاشیه‌ای شدن هر چه بیشتر آن

مسئله مناطق در ایران، از جمله منطقه بلوچستان، حاصل انتقال از نظم کهن ایرانی به نظم معاصر است. در نظم کهن ایرانی شاید بیش از ۹۰ درصد سرزمین، غیر شهری بود و استبداد شرقی هم در شهر مستقر بود و انبوه مناطق غیر شهری هم بیرون از حوزه نفوذ و اقتدار قدرت مرکزی قرار داشتند. برخلاف اروپا که قدرت فئودال‌ها در روستاها و مزارع چند هکتاری شکل گرفته و شهر اهمیتی نداشت، در ایران قدرت شهری بود اما با حوزه نفوذ کوتاه. لذا قدمت شهر در شرق به مراتب بیشتر از غرب است. قدرت در مناطق هم مبتنی بر تکثری از اقتدارهای محلی بود که کار چندانی با مرکز نداشتند و مرکز هم عملاً کار چندانی با آنها نداشت و یا نمی‌توانست داشته باشد. دولت مدرن در ایران از یک سو، چون منقطع از الگوی کهن قدرت ایرانی است و از سوی دیگر، نتوانسته یک نظم حقوقی شهروندی عام را برای همه ایرانیان اجرایی کند تا همه در عمل و نه شعار از حقوق برابری برخوردار باشند، در مناطقی چون بلوچستان هنوز نتوانسته اجتماعی شود و لذا زور عنصر اصلی‌اش برای ماندگاری شده است.

بنابراین مسئله بلوچستان فقط محصول شرایط امروز نیست و مردم بلوچ در درون یک وضعیت سیاسی-اجتماعی تاریخی خاصی زندگی می‌کنند که محصول انتخاب خودشان نیست. به قول مارکس، «انسان‌ها

تاریخشان را می‌سازند، اما نه تحت شرایطی که خود انتخاب کرده‌اند، بلکه تحت شرایطی که مستقیماً از گذشته کشف، داده و منتقل شده است» (مارکس، هجدهم برومر لویی بناپارت). در تحلیل مسئله بلوچستان نباید دچار کیش شخصیت- نوعی عاملیتِ مشخصاً فردی، به ویژه در تغییرات تاریخی- شد و باید تاریخ آن را در نظر گرفت. اگر هم به شخصیتی پرداخته می‌شود آن را به مثابه یک تولید اجتماعی و محصول فرایندی انباشتی ببینیم.

❖ تحلیل نظری چرایی مسئله بلوچستان

در تحلیل نظری مسئله بلوچستان، نگارنده بر این نظر است که بیرون ماندگی مردم بلوچ از سیاست و جامعه ایرانی در دوره معاصر در اثر ناتوانی دولت مدرن در ایران در تحقق مطلوب ادغام سیاسی Political integration مردم بلوچستان در کلیت ایران؛ متناسب با ماهیت دولت-ملت‌های مدرن مرکزگراست. البته مبرهن است که ادغام سیاسی امری متفاوت از همسان‌سازی سیاسی Political Assimilation است که مدنظر این نوشته نیست که امری منفی و غیرسازنده است. ادغام سیاسی فرایندی است که به اجتماع سیاسی منتهی می‌شود - شرایطی که در آن از یک سو، گروهی از مردم تعهدات متقابل و برخی تصورات از منافع مشترک را می‌پذیرند و از سوی دیگر، امکان مشارکت در قدرت برای همه مردم بدون هیچگونه تبعیض هویتی ممکن می‌شود.

❖ یک نمونه از بیگانگی‌های دوسویه مرکز و بلوچستان در شبکه اجتماعی اینستاگرام و تحلیل آن

به نظر می‌رسد در چند سال اخیر در اثر رشد آگاهی‌های سیاسی در میان مردم بلوچ، درکی از رابطه میان تهران و بلوچستان رواج یافته که آنرا در قالب روابط نابرابرانه مرکز-پیرموان دسته بندی می‌کنند. در یک نمونه یک کاربر اینستاگرامی از بلوچستان در پاسخ به این جمله ستاره اسکندری که گفته بود: «هر چه بیشتر با مردم بلوچ زیست کردم بیشتر فهمیدم که ما به عنوان مرکز نشین هیچ شناختی از این مردم نداریم»، پاسخ ذیل را می‌نویسد که نشان از ظهور حساسیت‌های اجتماعی تازه‌ای است:

ستاره اسکندری میگوید بعنوان مرکز نشین شناختی از "این مردم" ندارد او خودش و دیگر مرکز نشین ها را ما تعریف میکند یک مای جمعی که نشان از پیوندی عمیق میانشان دارد و در عوض ما "این مردم" هستیم مردمی که مرکز نشین حالا غصه میخورد چرا تا حالا نفهمیده است مهربان هستند! از تجربه ی شخصی اش و احساس ناامنی که داشته می گوید او حالا به "مای جمعی" میگوید من رفتم تستشان کردم ترسناک نیستند نگران نباشید فقط بی توجهی فقیرشان کرده که البته این فقر از دید خانم اسکندری "فقر فرهنگی" را هم در برمیگیرد، راستش را بخواهید خانم اسکندری "ما" هم در ادبیات روزمره ی خودمان به شما میگوییم "آنها"، شما درست حدس زدید بین "ما" و "شما" شکافی به عمق تاریخ وجود دارد، اما این شکاف را "ما" زودتر از "شما" کشف کرده ایم، ما میدانیم شما آنها هستید، آنها عاشق این هستند که قهرمان ما باشند، آنها عاشق کشف کردن هستند، آنها مدام میخواهند بگویند ما کشفشان کردیم و در راه این کشف از هم سبقت میگیرند، آنها با ما عکس میگیرند و بین چهره ی آفتاب سوخته ی بعضی از ما و سادگی مدنظر خودشان ارتباط برقرار میکنند، آنها مارا نه تنها فقیر مادی میدانند بلکه فقیر فرهنگی را نیز یکی از انواع فقر ما میدانند، خانم اسکندری شما آنها هستید اما ما آنها را به دو نوع تقسیم کرده ایم: یک آنها منابع مادی را به غارت برد و حالا ما باید از زیر گلوله هایشان که معاشمان را نشانه گرفته اند جان سالم به دربریم، یک آنها ی دیگر شما هستید شما اما کاری به منابع فرهنگی ما ندارید چون از اساس قائل به همچون چیزی در درون ما نیستید، انهایی که شما باشید تصور میکنید پیامبران فرهنگ و ادب هستید و سعی در غالب کردن فرهنگ خودتان که لابد فرهنگ برتر است را دارید، اما درحال هردو نوع آنها هستند و آنها هیچ گاه نمیپذیرند ما آن انسان هایی نیستیم که به یکباره کشف شویم یکبار کشف منفی که تروریست و قاچاقچی و شرور بودیم و یکبار کشف مثبت که مهربان و ساده لوح و بی ریا هستیم، دست از کشف کردن ما بردارید، خانم اسکندری عزیز به نقل از قانون: در نظر آنکه مارا می پرسند به اندازه کسی که از ما نفرت دارد "بیمار" است



چنین عکس العملی که می تواند حکایت از اختلال تاریخی وظایف سیاسی دولت شبه مدرن در قبال جامعه بلوچ و عدم تحقق اجتماعی شدن سیاست و بیرونی ماندن دولت از آن که نمودش را می توان در واژه منفی «گجر» (قجر) در زبان بلوچی ردیابی نمود، حکایت از ظهور مرزبندی های هویتی جدید دارد که در جامعه و بیرون از دولت در حال اتفاق افتادن است.

تداوم بحران سیاسی تاریخی که از زمان انتقال قدرت از سیستم کهن حکمرانی ایرانی به دولت شبه مدرن رضاشاهی در بلوچستان با نپذیرفتن قدرت رضاشاهی توسط دوست محمدخان بارکزی، و شروع عملیات قشون شروع شد که به قیمت جان دوست محمدخان و نیز بیرونی ماندن جامعه بلوچ از ساختار قدرت تاکنون تمام شده است، تبار مسئله بلوچستان است. ناکامی رژیم پهلوی در اجتماعی کردن نهادهای مدرنی چون دادگستری و ارتش و نیروهای نظامی و امنیتی در بلوچستان و انتقال آن میراث به جمهوری اسلامی و تشدیدش با گرفتن رنگ شیعی به خود، منجر به ظهور حس عمیقی از غیر خودی بودن در مردم بلوچ شده است که فهم زیر و بم آن مستلزم انجام مطالعات عمیق و گسترده اجتماعی است.

❖ تحقق انقلاب اسلامی و پدیدار شدن موقعیت دوگانه برای مذهب سنی و مولوی‌های

بلوچ

روحانیون اهل سنت، به ویژه در بلوچستان، عمیقاً در مورد رویکرد دولت انقلابی جدید نسبت به اسلام سنی موقعیتی دوگانه داشتند. در حالی که آنها فرصتی برای ارتقاء موقعیت خود یافتند، به زودی با چالش‌هایی، عمدتاً از جانب نظام سیاسی که شیعی تعریف شد، مواجه شدند که تمایل داشت آنها را به عنوان سنی کنار بگذارد. با این حال، جمهوری اسلامی یک استراتژی امنیتی و عمل‌گرا در مورد اهل سنت اتخاذ کرده است، تاکتیک‌های یکسانی را دنبال نکرده است، زیرا این تاکتیک‌ها در طول زمان و مکان تغییر کرده‌اند.

بعد انقلاب اسلامی در دولت‌های موقت، اصلاحات و نیز اعتدالی‌اندک فرصت‌هایی از طرف آنها برای مشارکت بلوچ‌ها در قدرت فراهم شد ولی گسترش نیافت که منجر به سرخوردگی هر چه بیشتر جامعه شد، هر چند که دولت‌های اصول‌گرا هم بصورت موردی و احتمالاً بدون داشتن استراتژی مشخصی قدم‌هایی برداشته‌اند.

❖ دگرذیسی‌های دیوبندیسم در بلوچستان و ظهور دینداری سنی *sunni religiosity*

براساس پژوهش‌های محققان چون ایوب حسین‌بر، اهل سنت بلوچستان، با پیشینه قومی بلوچ، صرفاً پاسخ‌هایی مطابق با تداوم سنت نداده‌اند. پاسخ‌های آنها در زمینه رقابت‌های بین ایران و عربستان سعودی، جهاد مجاور در افغانستان و نقش پاکستان در حوادث شکل گرفته است. در چنین شرایطی، روحانیون سنی دیوبندی در سیستان و بلوچستان اساساً با سایر اهل سنت ایران تفاوت دارند، حتی در مقایسه با گذشته. مولوی‌های سنی، بخصوص دیوبندی‌ها در سیستان و بلوچستان، عمیقاً از رویدادهای سیاسی متأثر شدند. آنها از هر فرصتی برای تمرکز بر سنت دیوبندی در فعالیت‌های آموزشی استفاده کردند و قدرت و اعتبار مذهبی خود را بیشتر نهادینه کردند، نه اینکه مستقیماً در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند.

نگارنده بر این نظر است که رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری پس از واقعه دوم خرداد نقشی جدی در سیاسی شدن هویت سنی و نیز ورود آن به بازی رقابت قدرت میان جناح‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا داشت، که چهره‌های محلی این بازی‌های سیاسی عموماً مولوی‌ها بودند که تعدادی از آنها بدین سان وارد کنش‌گری سیاسی کلیت جامعه ایرانی شدند که شاخص‌ترین‌شان مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی است.

براساس نظرات ایوب حسین بر، اینکه سمت و سوی تحولات دیوبندیسم به چه سمتی خواهد رفت به متغیرهای متعددی بستگی دارد؛ از جمله به این که بی‌ثباتی‌ها در نظام اسلامی کنونی چگونه گسترش یابند، و یا در تحولات پیشروی ایران، جدا از اینکه در قالب تحولات ساختاری درون حاکمیتی باشد یا برون حاکمیتی، چه تغییری در رفاه اجتماعی و نیز مشارکت سیاسی اقوام سنی مذهب بیفتد. اگر ما نیروهایی چون طالبان، گروه‌های فرقه‌گرایانه در پاکستان، و گروه‌های محلی چون جیش العدل بررسی کنیم می‌بینیم از ایده‌های دیوبندی الهام گرفته‌اند. حتی پس از بازگشت طالبان به قدرت، در اگوست ۲۰۲۱، بخش بزرگی از مولوی‌های دیوبندی از آنها اعلام حمایت کردند. سنی‌ها در بلوچستان اینک نه تنها به مثابه یک گروه قومی بلکه همچنین به عنوان یک اجتماع مذهبی به وضعیت‌ها پاسخ می‌دهند.

اما آنچه که حسین بر به آن نمی‌پردازد ظهور جریان سکولاریسم در دیوبندیسم بلوچستان، شاخه مکی، است که می‌توان آنرا در مواضع اخیر مولوی عبدالحمید در حمایت از برخی ارزش‌های جنبش زن، زندگی، آزادی و استقبال گرم مسجد مکی از بازدیدکنندگان زن نوروژی، عموماً دارای حجاب عرفی و اصطلاحاً کم حجاب، مشاهده نمود، البته اگر بتوانند برای آن بنیان‌های فقهی ارائه دهند و مقطعی نباشد.

❖ تبارشناسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری تنش‌های اخیر بلوچستان

اگر خواسته باشیم از منظری تبارشناسانه، ریشه‌ها و فرایند شکل‌گیری تنش اخیر بلوچستان را واکاوی کنیم احتمالاً مهم‌ترین مقوله‌های آن بدین شرح خواهند بود:

۱. انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و چرخش تاریخی مسجد مکی به سمت اصول‌گرایان و پیش آمدن تغییراتی جدی در مشارکت سیاسی بلوچ‌ها
۲. پیش رفتن توافقات میان ستاد انتخابات آقای رئیسی و مسجد مکی پس از روی کار آمدن دولت جدید و بروز سرخوردگی در میان سیاسیون بلوچ
۳. ناتوانی تاریخی و گفتمانی دولت‌های اصول‌گرا در برقراری ارتباط فکری و سیاسی با مردم بلوچ
۴. واقعه کشتارهای ۸ مهر زاهدان و سپس خاش و پرتاب شدن مولوی و جامعه بلوچ به قلب جنبش زن، زندگی، آزادی
۵. حمایت مردمی از جنبش زن، زندگی، آزادی در بلوچستان و بطور خاص مردم زاهدان
۶. حمایت مولوی عبدالحمید از به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آسیب خوردن سرمایه اجتماعی ایشان در چشم فعالان مدنی ایران و استفاده هوشمندانه شان از فضای جنبش زن، زندگی، آزادی برای بهبود آن

۷. کاهش اندک مدیران سطوح بالاتر بلوچ پس از مستقر شدن دولت رئیسی و سرخوردگی جامعه بلوچ پس از رای دادنش به آقای رئیسی
۸. ماجرای تجاوز به ماهو بلوچ در چابهار و ناتوانی ساختاری حاکمیت در برخورد قانونی با مجرم در زمان مناسب
۹. نقش حمایت معنوی جنبش زن، زندگی، آزادی از اعتراضات زاهدان و توجه مرکز جامعه ایران به بلوچستان
۱۰. تداوم اعتراضات در جمعه های زاهدان و بازداشت های زنجیره ای پس از آن
۱۱. انعکاس گسترده راهپیمایی های مناسک گونه زاهدان در شبکه های اجتماعی و رسانه های جهانی در مقیاسی فراتر از واقعیت و توجه افکار عمومی ایرانیان و جهانیان به آنها
۱۲. ناتوانی استانداری و دیگر سازمان های حاکمیتی در ارائه یک نظریه راهبردی برای ترمیم رابطه از هم گسیخته میان مردم بلوچ و حاکمیت
۱۳. ساماندهی نظامی و امنیتی فضا های شهری و جاده ای شهرها و روستاهای بلوچستان با گسترش ایستگاههای ایست و بازرسی، ورود خودروهای نظامی چون طوفان به ناوگان نیروی انتظامی، گسترش استقرار دوربین های مدار بسته در شهرها، تشدید گشت زنی های هوایی و زمینی ...
۱۴. به حاشیه رفتن پروژه های عمرانی و طرح های کلان توسعه ای از جمله طرح توسعه سواحل مکران به دلیل ناتوانی در جلب اعتماد مردم و نیز تشدید رقابت میان دبیرخانه توسعه شورای توسعه سواحل مکران با استانداری سیستان و بلوچستان و هرمزگان با طرح لایحه تشکیل سازمان توسعه سواحل مکران و ارائه آن به مجلس
۱۵. تشدید اعدام ها
۱۶. تشدید فرایند قطعی سازی جامعه و حاکمیت
۱۷. تشدید فرایند انحصاری شدن تجارت مرزی بدست جریان های بلوچ مرتبط با دستگاه های نظامی و امنیتی و محروم شدن اکثریت مردم از این فرصت های اقتصادی
۱۸. تشدید برخورد با مدارس دینی اهل سنت و رد مرز طلبه های افغانستانی و غیر ایرانی
۱۹. شکل گیری حرکت بازبانی گمشدگان بلوچستان پاکستان به رهبری دکتر مهرنگ بلوچ و انعکاس وسیع آن در شبکه های اجتماعی چون اینستاگرام و واتساپ و تلگرام

❖ پیامدها و ملاحظات محلی - منطقه‌ای تنش‌های اخیر بلوچستان

در خصوص پیامدهای تنش‌های اخیر بلوچستان ایران می‌توان به مواردی اشاره نمود:

۱. بر ساخت انگاره بلوچ دموکراسی و تحول خواه در جهان و ظهور سوژه‌هایی از زنان و جوانان فعال سیاسی؛ متاثر از سه جنبش:

✓ زن، زندگی، آزادی ایران

✓ راهپیمایی بزرگ دکتر مهننگ بلوچ در پاکستان

✓ مدرنیسم عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس

۲. تشدید حرکت توده‌ای شدن جامعه بلوچ و دچار بحران جدی شدن الگوی حکمرانی مبتنی بر سیاست واسطه‌گری متکی بر سران طوایف

۳. چرخش حاکمیت به الگوی حکمرانی نظامی و امنیتی و بالا رفتن هزینه‌های حکمرانی

✓ تشدید کشته‌ها از هر دو طرف

✓ تضعیف اقتدار و نیاز به کار برد هر چه بیشتر زور و قدرت عریان

✓ گسترش مشروعیت روش‌های مبارزه مسلحانه در میان جامعه بلوچ و نیز گفت‌وگو استقلال طلبی

✓ تشدید فقر و تولید لشکر بیکاران و بی آینده‌گان جهت گرویدن به گروه‌های تکفیری با از کار

افتادن هر چه بیشتر اقتصاد مرز و انحصاری شدن آن

۴. منزوی شدن هر چه بیشتر نیروهای سیاسی نظام و مسلط شدن نیروهای نظامی و امنیتی بر فضای استان

۵. افزایش یافتن هزینه فعالیت‌های مدنی به دلیل امنیتی شدن فضا

۶. به صحنه آمدن گروه‌های جهادی-قومی و احتمال افزایش احتمال جذب مشروعیت اجتماعی

۷. فراهم شدن بستر ورود داعش خراسان به بلوچستان از طریق ائتلاف با گروه‌های جهادی مسلحانه بلوچ

همچون جیش العدل، انصار الفرقان و ...

۸. فراهم شدن بستر برای انتقام گرفتن کشورهای منطقه و جنبش‌های جهادی از محور مقاومت در جغرافیای

بلوچستان و استان‌های همجوار

۹. تشدید شکاف اجتماعی میان مردم استان مبتنی بر تفاوت‌های قومی و مذهبی و خروج هر چه بیشتر

جمعیت شیعه مذهب از استان

۱۰. خطر سومالیایی شدن استان و ظهور انواع و اقسام گروه‌های گنگستری و از بین رفتن امنیت عمومی

۱۱. تشدید فرایند خروج سرمایه داران بلوچ و غیر بلوچ از استان

۱۲. به حاشیه رفتن قشر تحصیل کرده و تکنوکرات بلوچ هم در جامعه و هم در حاکمیت در اثر قطبی شدن

فضا

۱۳. امید مجدد گرفتن بلوچ‌های دموکراسی خواه با شکل‌گیری و پیشروی گفتمانی لانگ مارچ دکتر مهرنگ

بلوچ

۱۴. تشدید اعدام‌ها

۱۵. ظهور صورت‌بندی جدیدی از پیوند میان منازعات ایدئولوژیک و منازعات ژئوپلیتیک

۱۶. تشدید توزیع نابرابر ثروت در میان گروه‌های اجتماعی با تشدید امنیتی و انحصاری تر شدن تجارت مرزی

قانونی و غیر قانونی

❖ **تنش‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و پدیده قابل تأمل کاهش جمعیت زاهدان در فاصله میان**

۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

یکی از پیامدهای تنش‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ در استان کاهش حدود ۷ هزار نفری جمعیت شهری

زاهدان مابین ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های میدانی حکایت از شکل‌گیری موج جدیدی از مهاجرت در

شهر زاهدان پس از تنش‌های اخیر دارد.

جدول شماره ۱: جمعیت شهرهای استان سیستان و بلوچستان ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵

| شهرستان | شهر | ۴۵ | ۵۵ | ۶۵ | ۷۰ | ۷۵ | ۸۵ | ۹۰ | ۹۵ |
|-------------|----------|-------|-------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| زاهدان | زاهدان | ۳۹۷۳۲ | ۹۳۷۴۰ | ۲۸۱۹۲۳ | ۳۵۶۳۸۹ | ۴۱۹۵۱۸ | ۵۶۷۴۴۹ | ۵۶۰۷۲۵ | ۵۸۷۷۳۰ |
| زابل | زابل | ۱۸۰۶ | ۲۹۴۰۴ | ۷۵۱۰۵ | ۹۰۰۱۹ | ۱۰۰۸۸۷ | ۱۳۶۹۵۶ | ۱۳۷۷۲۲ | ۱۳۴۹۵۰ |
| ایرانشهر | ایرانشهر | ۵۳۸۶ | ۱۱۳۸۶ | ۴۰۰۲۷ | ۵۶۴۴۷ | ۷۶۹۵۹ | ۱۰۰۶۴۲ | ۹۷۰۱۲ | ۱۱۳۷۵۰ |
| چابهار | چابهار | ۲۸۲۸ | ۵۹۲۲ | ۲۰۵۴۴ | ۲۹۵۱۷ | ۳۴۶۱۸ | ۷۳۰۹۸ | ۸۵۶۳۳ | ۱۰۶۷۳۹ |
| سراوان | سراوان | ۵۳۹۷ | ۹۰۹۷ | ۲۲۷۳۰ | ۳۲۹۶۹ | ۴۱۱۷۷ | ۵۹۶۱۰ | ۵۹۷۹۵ | ۶۰۰۱۴ |
| خاش | خاش | ۴۶۳۹ | ۸۲۳۶ | ۲۰۲۲۸ | ۲۷۴۲۰ | ۳۸۹۲۴ | ۵۷۸۱۱ | ۵۴۱۰۵ | ۵۶۵۸۴ |
| کنارک | کنارک | ۲۵۰۶ | ۵۰۶۹ | ۱۰۰۷۶ | ۱۰۹۶۵ | ۱۴۹۴۱ | ۳۰۷۱۶ | ۳۵۶۳۰ | ۴۳۲۵۸ |
| سراوان | جالتق | ۴۵۸۹ | ۶۵۰۵ | ۷۹۷۹ | ۹۲۸۵ | ۱۰۲۲۱ | ۱۳۹۹۹ | ۱۷۵۴۶ | ۱۸۰۹۸ |
| نیک شهر | نیک شهر | ۲۱۳۴ | ۳۱۷۹ | ۴۶۳۶ | ۷۲۲۷ | ۹۳۴۹ | ۱۴۴۸۳ | ۱۵۸۸۹ | ۱۷۷۳۲ |
| سرباز | پیشین | - | - | - | - | - | ۱۰۵۲۹ | ۱۳۶۹۰ | ۱۶۰۱۱ |
| سیب و سوران | سوران | ۱۴۰۷ | ۱۷۰۱ | ۳۹۸۱ | ۴۴۳۶ | ۷۱۶۳ | ۱۰۳۵۰ | ۱۰۶۳۲ | ۱۳۵۸۰ |
| زهک | زهک | ۴۵۸۹ | ۶۵۰۵ | ۵۷۷۸ | ۷۱۱۹ | ۸۰۰۲ | ۱۱۴۰۱ | ۱۴۳۲۴ | ۱۳۳۵۷ |
| فنوج | فنوج | ۲۳۸۱ | ۳۲۹۴ | ۵۶۰۳ | ۶۴۹۵ | ۷۴۳۷ | ۱۰۰۴۱ | ۱۱۵۷۷ | ۱۳۰۷۰ |
| مهرستان | مهرستان | - | - | - | - | - | ۸۱۰۳ | ۱۰۱۱۲ | ۱۲۲۴۵ |
| ایرانشهر | بمپور | ۲۴۰۷ | ۲۹۷۸ | ۵۲۰۹ | ۶۷۳۶ | ۶۸۴۳ | ۹۳۲۳ | ۱۰۰۷۱ | ۱۲۲۱۷ |
| قصرقند | قصرقند | - | - | ۳۶۹۹ | ۴۳۹۰ | ۸۱۰۶ | ۱۰۸۴۸ | ۸۵۶۳ | ۱۱۶۰۵ |
| ایرانشهر | محمدان | - | - | - | - | - | - | ۸۱۹۳ | ۱۰۳۰۲ |
| دلگان | گلمورتی | - | - | - | - | - | ۳۳۴۸ | ۸۳۱۰ | ۱۰۲۹۲ |
| سرباز | راسک | - | - | - | - | - | ۶۲۰۰ | ۸۴۷۲ | ۱۰۱۱۵ |
| میرجاوه | میرجاوه | ۱۰۳۴ | ۱۶۶۰ | ۳۱۹۵ | ۴۸۹۸ | ۸۱۱۳ | ۱۴۱۶۲ | ۱۰۱۲۱ | ۹۳۵۹ |
| چابهار | نگور | ۴۳۸ | ۸۸۱ | ۱۲۵۹ | ۲۱۵۵ | ۲۲۷۰ | ۴۰۳۰ | ۴۶۱۲ | ۵۶۷۰ |

محاسبات نگارنده از داده‌های مرکز آمار ایران

❖ مدل‌های سیاست‌گذاری ممکن برای مسئله بلوچستان:

۱. مدل مائو تسه تونگ که معتقد است قدرت از لوله تفنگ می‌گذرد! مدلی که به نظر می‌رسد رویکرد غالب در وضعیت جاری از طرف حاکمیت است که ناکامی‌های آن تشدید خواهند شد و اوضاع استان را در آینده نزدیک بحرانی‌تر خواهد کرد که نگارنده مخالف چنین مدلی است.
۲. مدل مبتنی بر حل مسئله که رویکردی اصلاحی و عقلانی دارد.

❖ کلیات مدل سیاست‌گذاری مبتنی بر حل مسئله بلوچستان و جنوب شرق کشور

اگر نظام سیاسی به دنبال حل مسئله بلوچستان با استفاده از روش‌های عقلانی و مسالمت‌آمیز است مهم‌ترین راهبردهای آن می‌تواند به شرح ذیل باشند:

۱. فهم و پذیرش ماهیت دولت-ملت مدرن و احترام به مقتضیات ساختاری‌اش در جهت فراهم کردن حقوق برابر برای تمامی باشندگان سرزمین جدا از هویت قومی و مذهبی آنها
۲. گذر از تلقی‌های مذهبی از هویت ملی به حرکت به سمت تلقی‌های مدنی از هویت ملی
۳. رفتن حاکمیت به سمت تعامل با مولوی عبدالحمید و مسجد مکی و اجازه دادن به اینکه ایشان تحولی فقهی در مکتب دیوبندیسیم در جهت دفاع از ارزش‌های سکولار بوجود آورد که تاثیری جدی در کنترل جریان‌های افراطی مذهبی خواهد داشت
۴. تجدیدنظر در سیاست اداره مناطق قومی ایران در جهت رفتن به مسیر ادغام سیاسی بلوچ‌های سنی مذهب در جامعه و سیاست ایرانی از طریق مشارکت دادن نخبگان بلوچ در سطوح عالی مدیریت سیاسی و اداری کشور
۵. توازن بخشی میان قدرت نیروهای نظامی و نیروهای سیاسی حاکمیت در استان س و ب
۶. تعدیل فضای مذهبی در جامعه بلوچی از طریق باز کردن فضا برای گسترش افکار مدرن و سکولار با توجه به شکست‌های گفتمان تقریب مذاهب
۷. فراهم نمودن بستر برای شکل‌گیری نهادهای مدنی و احزاب سکولار بلوچ در مرکز و نیز استان جهت مدرن شدن و عرفی شدن سیاست‌ورزی بلوچ‌ها
۸. تسریع توسعه اجتماع محور و کاهش فقر و فلاکت در استان از طریق اختصاص بودجه‌های جبرانی
۹. برنامه‌ریزی برای حضور هر چه بیشترهای نیروهای سرمایه دار و روشنفکر بلوچ در پایتخت
۱۰. تعیین تکلیف حقوقی و اجتماعی پرونده کشتار ۸ مهر زاهدان و جلوگیری از تبدیل شده آن به یک نقطه گسست در حافظه جمعی بلوچ‌ها
۱۱. ترمیم رابطه ناجا با مردم از طریق طرح‌هایی چون تغییر کاربری کلانتری ۱۶ زاهدان به یک مرکز محله تحت مدیریت شهرداری که نگارنده در یادداشت مستقلی در روزنامه هم میهن آنرا ارایه داده است.

❖ جمع بندی

تحولات سیاست و جامعه در بلوچستان بی ارتباط با تحولات کلی کشور نیست و همه چیز بستگی به این دارد که جنبش مردم ایران چگونه پیش رود و نیز قوه عاقله حاکمیت بتواند طرحی جدید در جهت به رسمیت شناختن مطالبات تاریخی مردم، در اندازد یا زمینه را برای تحولات فراسیستمی فراهم کند! آینده این مسئله را مشخص خواهد کرد.

۱۲ فروردین ۱۴۰۳، تهران، abshohlibor@gmail.com